



جهان پس از کرونا و نظم جدید در سیاست بین الملل

کرونا بحران های هویت گرایانه را متوقف می کند



ابراهیم متقی

استاد دانشگاه تهران

نظام بین الملل در سال های بعد از فروپاشی نظام دوقطبی و جنگ سرد، شکل بندی های مختلف سیاست، قدرت و امنیت را تجربه کرده است. ارزیابی های انجام شده بیانگر این واقعیت است که جهان در فضای سیاسی و بین المللی پسادوقطبی، امنیت کمتری داشته است. در این دوران، زمینه های درگیری هویتی، سیاسی و جنگ های پایان ناپذیر منطقه ای به وجود آمده است. ستیزش های ایجاد شده منجر به ظهور ناسیونالیسم از کشورها، ناسیونالیسم ابعاد جدیدی از ایدئولوژی، هویت، قدرت و ستیزش را بازتولید کرده است. پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، تثبیت موقعیت پوتین در روسیه و ظهور اردوغان به عنوان رئیس جمهور قدرتمند ترکیه تماما بیانگر شکل جدیدی از رقابت های سیاسی و امنیتی بوده است. هر يك از بازیگران تلاش داشتند تا سیاست قدرت را گسترش دهند و خصوصاً و کینه را در حوزه های جغرافیایی مختلف بازتولید کردند. در این شرایط، هیچگونه احساس مشترک درباره «امنیت انسانی» وجود نداشت. اگرچه در سال های دهه ۱۹۸۰ به بعد، مفاهیم مربوط به امنیت انسانی در حوزه ادبیات سیاسی و روابط بین الملل مطرح شده، اما الگوی سیاست قدرت با واقعیت های امنیت انسانی کاملاً متفاوت به نظر می رسد. بحران یمن، سوریه و عراق نشان داد موضوعاتی همانند جنگ، تبعیض نژادی، حقوق زنان، مهاجرت، پناهندگان و کودکان لطمه دیده از شرایط بحران هیچگونه مخاطبی در سیاست جهانی ندارند. کشورهای اروپایی درصدد برآمدن مرزهای خود را در برابر مهاجران ببندند.



سیاست موازنه تهدید و قدرت موسع در نظام جهانی

بهرگونه معادله قدرت براساس حداکثرسازی سود محاسبه می شود. گروه های اجتماعی نیز احساس می کردند زمامداران جنگ طلب آنان درصدد بهینه سازی اعتبار، قدرت و مصلحت شهروندان هستند، در حالی که آنان صرفاً به معادله سود-هزینه براساس اراده کنشگری مبادرت می کردند. کشورهای قدرتمند نظام جهانی و زمامداران آنها که در «دام ناسیونالیسم ستیزه جو» قرار گرفته بودند، درک دقیقی از «قدرت موسع» نداشتند. قدرت موسع به مفهوم پیوند مولفه های اجتماعی، انسانی، زیست محیطی، بهداشتی و حقوق بشر در سوانه با ضرورت های سیاست جهانی بوده است. بحران کرونا به تمامی شهروندان هشدار داد، سیاست قدرت بدون درک مولفه های اجتماعی و امنیت انسانی نمی تواند منجر به ثبات و آرامش برای شهروندان شود. به همین دلیل است که بحران کرونا هشدار جدید به تمامی شهروندان، زمامداران و نهادهای بین المللی برای بازتعریف سیاست قدرت محسوب می شود.

تمامی نشانه های سیاست جهانی که عمدتاً از سوی ایالات متحده و بازیگران بحران ساز نظام جهانی در پیش گرفته می شد، بیانگر آن بود که جنگ های جدید در حال ظهور است. واقعیت آن است که «کرونا» به بازیگران سیاست بین الملل هشدار داد امنیت جهانی در گرو عقلانیت اجتماعی و انسانی است. کرونا توانست به عنوان نشانه ای از تهدید جمعی، نظام بین الملل را با شوک جدیدی از بی ثباتی اقتصادی، انسانی و اجتماعی روبه ر سازد. شاید بتوان به این موضوع اشاره داشت که کرونا توانست «موازنه تهدید» جدیدی در هرگاه موازنه تهدید به وجود می آید، بازیگران سعی می کنند تضادهای خود را کاهش داده برای مقابله با تهدید جدید تلاش کنند. سیاست قدرت در قرن ۲۱ می توانست تهدیدات شدید و گسترده ای را علیه کشورها به وجود آورد. جنگ های منطقه ای از قابلیت لازم برای تسری به حوزه های منطقه ای و بین المللی برخوردار

زمینه های بین المللی تهدیدات امنیت انسانی و امنیت بهداشتی

برای بهینه سازی موقعیت خود بهره گرفتند. کشورهای قدرتمند در اقتصاد و سیاست جهانی، هیچگونه سازوکاری برای کنترل بحران و ستیزش در پیش نگرفتند. ضرورت های سیاست قدرت به گونه ای بود که هر کشوری صرفاً درصدد حفظ تولید ناخالص داخلی، امنیت اجتماعی و رشد اقتصادی خود برآمده بود. نگرش بشر دوستانه و حقوق بشر دوستانه در غیاب جنگ های هویتی و منطقه ای ناپوشیده بود، به همان گونه ای که سرنوشت انسان های آواره مهاجر در وضعیت نابودی قرار داشت. در این شرایط، نیروهای جهانی اقتصاد و سیاست تمامی تلاش خود را برای حداکثرسازی قدرت و رشد اقتصادی به انجام رساندند. دونالد ترامپ براساس انگاره ناسیونالیسم آمریکایی و «آمریکا اول»، شلیک نهایی به فرآیندهای امنیت انسانی و امنیت زیست محیطی را به انجام رساند. دونالد ترامپ از کنوانسیون های فرهنگی، امنیت انسانی و زیست محیطی خارج شد و جدال امنیتی جدیدی علیه کشورهای اروپایی، چین، روسیه و ایران به انجام رساند.

به همان گونه ای که بحران های اجتماعی ریشه در سیاست اقتصادی و امنیتی کشورها دارد، بحران کرونا که مبتنی بر نشانه هایی از امنیت انسانی است، ریشه در الگوهای کنش بازیگران مؤثر سیاست بین الملل داشته است. ظهور و گسترش ناسیونالیسم جدید مبتنی بر سیاست قدرت را می توان در زمره عوامل و نیروهای بحران ساز در نظام جهانی دانست. الگویی که جنگ همه علیه همه در همه حوزه های سیاسی و اقتصادی را اجتناب ناپذیر می ساخت. قدرت های بزرگ و کشورهای صنعتی از تمامی قدرت و قابلیت خود برای حداکثرسازی سود اقتصادی بهره گرفتند. محور اصلی سیاست های آمریکا در دوران دونالد ترامپ مبتنی بر مقابله با کنوانسیون های بین المللی، نادیده گرفتن حقوق بین الملل، عبور از اتحادیه های چند جانبه و مقابله با سیاست جهانی و موضوعات متبانه آن بوده است. بسیاری دیگر از کشورهای صنعتی اروپا نیز از الگوی دونالد ترامپ

پیامدهای طولانی مدت بحران کرونا در سیاست جهانی

اگرچه بحران کرونا در کوتاه مدت، گروه های اجتماعی و زمامداران در نظام جهانی را با «شوگ و بهت» روبه رو ساخت، اما واقعیت آن است که چنین فرآیندی می تواند نظم جدیدی در سیاست بین الملل به وجود آورد. کشورهای صنعتی به این موضوع واقف شدند که تهدیدات زیست محیطی و بهداشتی همانند چالش های هویتی، جنگ های تروریستی و ستیزش های منطقه ای می تواند امنیت روانی جامعه و دولت را با چالش روبه ر سازد. چنین فضایی می تواند شکل جدیدی از «دربانندگی دولت» را بازتولید سازد. در سال های آینده موضوعات مربوط به محیط زیست، بهداشت و مقابله با بیماری های واگیردار، بخشی از سازوکارهای مربوط به امنیت انسانی، اجتماعی و راهبردی تلقی خواهد شد. در جهان پسا کرونا، نظریه های انتقادی روابط بین الملل مطلوبیت بیشتری در سیاست جهانی پیدا خواهد کرد. مفهوم امنیت انسانی و امنیت بهداشتی بازتولید می شود. بحران کرونا جهانی را در کوتاه مدت شکل می دهد که بخشی از اختلافات سیاسی و امنیتی کشورها در فضای رکود قرار می گیرد. کشورها تلاش می کنند تا شکل جدیدی از همکاری های اقتصادی، اجتماعی و انسانی را بازتولید کنند.

اگرچه بحران کرونا در کوتاه مدت، گروه های اجتماعی و زمامداران در نظام جهانی را با «شوگ و بهت» روبه رو ساخت، اما واقعیت آن است که چنین فرآیندی می تواند نظم جدیدی در سیاست بین الملل به وجود آورد. کشورهای صنعتی به این موضوع واقف شدند که تهدیدات زیست محیطی و بهداشتی همانند چالش های هویتی، جنگ های تروریستی و ستیزش های منطقه ای می تواند امنیت روانی جامعه و دولت را با چالش روبه ر سازد. چنین فضایی می تواند شکل جدیدی از «دربانندگی دولت» را بازتولید سازد. در سال های آینده موضوعات مربوط به محیط زیست، بهداشت و مقابله با بیماری های واگیردار، بخشی از سازوکارهای مربوط به امنیت انسانی، اجتماعی و راهبردی تلقی خواهد شد. در جهان پسا کرونا، نظریه های انتقادی روابط بین الملل مطلوبیت بیشتری در سیاست جهانی پیدا خواهد کرد. مفهوم امنیت انسانی و امنیت بهداشتی بازتولید می شود. بحران کرونا جهانی را در کوتاه مدت شکل می دهد که بخشی از اختلافات سیاسی و امنیتی کشورها در فضای رکود قرار می گیرد. کشورها تلاش می کنند تا شکل جدیدی از همکاری های اقتصادی، اجتماعی و انسانی را بازتولید کنند.

پیامدهای کوتاه مدت بحران کرونا در سیاست جهانی

واقعیت آن است که بسیاری از زمامداران، خود نیز احساس تهدید می کنند. بحران کرونا می تواند «بازگشت به خویشتن» را بین زمامداران ایجاد کند. مثبت اعلام شدن تست کروناوی بوریس جانسون، همسر نخست وزیر کانادا و علی لاریجانی تماماً بیانگر آن است که بوریس کرونا، استثنای پذیر نیست. در حوزه سیاست قدرت زمامداران نیز می تواند لانه کند. به همین دلیل است که الگوی رفتاری زمامداران و کارگزاران سیاست قدرت براساس انگاره های چند بعدی تری شکل گرفته است. هرگونه بحران اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی آثار خود را در الگوهای رفتاری کشورها به جا می گذارد. هم اکنون زمامداران بسیاری از کشورها به این موضوع واقف شده اند که در شرایط بحران کرونا باید تمامی تلاش خود را برای حفاظت از جان انسان ها و امنیت شهروندی به عمل آورند. اگرچه برخی زمامداران همانند دونالد ترامپ درصدد هستند معادله امنیت انسانی

واقعیت آن است که بسیاری از زمامداران، خود نیز احساس تهدید می کنند. بحران کرونا می تواند «بازگشت به خویشتن» را بین زمامداران ایجاد کند. مثبت اعلام شدن تست کروناوی بوریس جانسون، همسر نخست وزیر کانادا و علی لاریجانی تماماً بیانگر آن است که بوریس کرونا، استثنای پذیر نیست. در حوزه سیاست قدرت زمامداران نیز می تواند لانه کند. به همین دلیل است که الگوی رفتاری زمامداران و کارگزاران سیاست قدرت براساس انگاره های چند بعدی تری شکل گرفته است. هرگونه بحران اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی آثار خود را در الگوهای رفتاری کشورها به جا می گذارد. هم اکنون زمامداران بسیاری از کشورها به این موضوع واقف شده اند که در شرایط بحران کرونا باید تمامی تلاش خود را برای حفاظت از جان انسان ها و امنیت شهروندی به عمل آورند. اگرچه برخی زمامداران همانند دونالد ترامپ درصدد هستند معادله امنیت انسانی

گفت و گو

حانیه موحدین

دبیر گروه راهبرد

مردنی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران در گفت و گو با فرهیختگان:

روند پیشین جهانی شدن متوقف خواهد شد



سیدمحمد مردنی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران با اشاره به شیوع بیماری کرونا در جهان در گفت و گو با فرهیختگان «تصریح کرد: «بحران کرونا نشان داد نظام لیبرال و سرمایه داری عمیقاً دچار شکست شده است و به اثبات رسید که در چنین بحران هایی ساختارهای لازم را برای حفاظت از اکثریت جامعه ندارد، چرا که این ساختار برای منفعت اشخاص و طبقه خاصی یعنی سرمایه داران طراحی شده است. از این رو بخش خصوصی نه تنها قادر به حل مشکل کنونی نیست که حتی هدف و انگیزه ای نیز برای حل بحرانی همچون کرونا ندارد. بنابراین کرونا آسیب جدی به نگرش سرمایه داری و تئوری دولت حداقلی لیبرالیسم زد.»

مردنی افزود: «در آمریکا نظام فراگیر سلامت وجود ندارد و به دلیل عدم وجود ساختارهای لازم آنها نمی توانند به شکل فراگیر با شیوع بیماری مبارزه کنند. از طرف دیگر چون بیشتر بیمارستان ها و بخش درمان در این کشور در اختیار بخش خصوصی هستند و صرفاً برای سودآوری طراحی شده اند، با کمبود پزشک، پرستار، تجهیزات اولیه و حتی عدم انگیزه کافی برای مبارزه در درمان این بیماری مواجه اند. چون این بیمارستان ها مراکز درمانی برای به دست آوردن سود حداکثری طراحی شده اند، بنابراین سعی می کنند هزینه های خود را تا حد امکان کاهش دهند؛ از این رو این مراکز درمانی انبارهای کوچکی دارند و کادرهای درمانی آنها حداقلی است و بیشتر در حوزه هایی تخصص دارند که سودآوری بالاتری داشته باشد.»

مدیر گروه مطالعات آمریکایی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، اظهار داشت: «وقتی که کشورها ساختار مشابه آمریکا با چنین بحران هایی مواجه می شوند این بیمارستان ها و مراکز درمانی به علت سودمحوری صرفاً آمادگی و انگیزه ای برای مبارزه با چنین بحرانی را ندارند. بنابراین شاهد هستیم ابعاد

چرخ های اقتصادی آمریکا در حال خرد شدن است.»

مردنی در ادامه گفت و گو با فرهیختگان «به تأثیرات سیاسی تحمیلی اپیدمی بیماری کرونا بر جهان نیز اشاره و تصریح کرد: «به نظر من روند جهانی شدن به شکلی که در مباحث پیشین مطرح بود متوقف خواهد شد. دولت ها دولت های غربی و اروپایی به سمت تقویت مرزهای خود و احیای محدودیت های ترددی بین مرزها و کشورهای خود پیش خواهند رفت و حتی به نظر من به لحاظ ساختار همین شبکه، دانشگاه های علوم پزشکی به رغم محدودیت ها توانستند بحران کرونا را در کشور مدیریت کنند. همین مساله هم حاکی از آن است که دولت ها موظف هستند همه اقشار جامعه به ویژه اقشار آسیب پذیر و کم بهره از ثروت را تحت پوشش حمایت های ویژه قرار دهند.»

عضو هیات علمی دانشگاه تهران تأکید کرد: «همانگونه که اشاره شد کشورهای غربی به دلیل ساختار لیبرالی برخی از این کشورها در پیشگیری از شیوع این بیماری تامل کردند. در کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا شاهد هستیم این کشورها به دلیل فقدان دولت های قوی و ساختار سرمایه داری خود نتوانستند این بحران را مدیریت کنند.»

مدیر گروه مطالعات آمریکایی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، افزود: «در این میان مشکل بزرگتری که وجود دارد و آن هم به پیش از شیوع بیماری کرونا باز می گردد مربوط به بدهی های عظیم آمریکا و برخی کشورهای اروپایی است. حساب های عظیمی که به خصوص در اقتصاد آمریکا به دلیل این بدهی های عظیم و اقتصاد بیمار، به وجود آمده بود به عبارتی با شیوع کرونا ترکیب.»

وی همچنین تأکید کرد: «بنابراین بحرانی که در اقتصاد آمریکا در حال شکل گرفتن است از بحران کرونا به مراتب بزرگ تر است. این بحران هم به دلیل ضعف های نظام لیبرال سرمایه داری است که باعث شده دولت ها به شکل واقع بینانه به مشکلات اقتصادی نپردازند و اجازه دهند سرمایه داران جهت گیری های اقتصادی را به نفع خودشان شکل دهند و در نهایت بحران کنونی را در ایالات متحده به وجود آورند. به گونه ای که شاهد هستیم در حال حاضر آمریکا در آمریکا به شکل بی سابقه ای در حال افزایش و رئیس جمهور آمریکایی ماه های آینده رانیز باید در نظر گرفت.»

کووید-۱۹ یا همان ویروس کرونا، همچنان صدرنشین اخبار است و زندگی را در جهان مختل کرده است. مدعیان رهبری دنیا نیز این روزها به ماسک زدن روی آورده اند! قاره سبز نیز دیگر اتحادی به خود نمی بیند و از این رو چند روز پیش شاهد بودیم فابیور میلی، نایب رئیس پارلمان ایتالیا، ترجیح داد با انتشار ویدئویی به صراحت خشم خود از اتحادیه اروپا نشان دهد و پرچم کشورش را جایگزین پرچم این اتحادیه کند. تغییرات چنان سریع اتفاق می افتد که بوریس جانسون روزی از ضرورت مواجعه با کرونا می گوید و ابتدای ۷۰ درصدی مردم کشورش را تنها راه مبارزه با این ویروس می خواند و روز دیگر نه تنها خود مجبور به قرنطینه شد که حالا از حدود دو روز گذشته نیز ویروس کرونا نشان داده با وی شوخی ندارد و آنگونه که اخبار حکایت می کند، جانسون را ابتدا روانه بیمارستان و سپس بخش مراقبت های ویژه کرده است. در این میان زیارتگاه های مذهبی نیز بسته شده و حتی پاپ فرانسیس هم جشن های آیینی هرساله را در کلیسای خالی برگزار می کند و برای جمعیتی که نیستند دست تکان می دهد. براساس همین بهت و به هم ریختگی جهانی است که برخی آثار کرونا بر جهان را به سقوط دیوار برلین در دوران جنگ سرد تشبیه می کنند و برخی دیگر کرونا را یک نقطه عطف برای تغییر شکل نظام بین الملل می خوانند. برای بررسی ابعاد مختلف اثرات شیوع کرونا بر عرصه سیاست با تحلیلگران این حوزه به بحث و گفت و گو نشستیم. در روزنامه «فرهیختگان» دوشنبه ۱۸ فروردین، امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل بین الملل، تحلیل و آینده پژوهشی اش را از جهان پسا کرونا گفت و اینکه پیروز جنگ علیه کرونا را قدرت آینده جهان می داند. در شماره امروز به گفت و گو با مردنی، مدیر گروه مطالعات آمریکایی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران پرداختیم.